



پڑھنا، فہمک، حنر و ارتباطات
وزارت فہمک و ارشاد اسلامی



تربیت دینے در فضای مجازی

پرستو مصباحی جمشید

هو الرفيح

گزارش پیش

تربیت دینی در فضای مجازی

پرستو مصباحی جمشید

زیر نظر پژوهشکده ارتباطات



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
عنوان: تربیت دینی در فضای مجازی
نویسنده: پرستو مصباحی جمشید
ویراستار: حورا ناصری
صفحه‌آرایی: حسین آذری
نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۸
شمارگان: برای مخاطبان خاص

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ricac.ac.ir

فهرست مطالب

۱.....	مقدمه
۳.....	ماهیت تربیت دینی
۶.....	ماهیت و ویژگی‌های فضای مجازی
۷.....	فرهنگ فضای مجازی
۱۰.....	تجزیه و تحلیل یافته‌ها
۱۰.....	نقش «تعریف عقل، دین و علم» در تحقق «تربیت دینی مطلوب» در فضای مجازی
۱۳.....	تشخیص محکمت و متشابهات، در فضای مجازی
۱۵.....	بایسته‌های فضای مجازی
۱۹.....	تناظر مفاهیم در فضای مجازی، تربیت دینی و تحلیل آن
۲۲.....	داستان‌گویی نمادی و کشف ناشناخته‌ها
۲۲.....	توصیه‌ها و راه‌کارها
۲۵.....	فهرست منابع

مقدمه

تربیت دینی، از گذشته تا کنون همواره مسئله مهمی برای انسان بوده و نظرهایی در تأیید یا انکار آن، از سوی اندیشمندان مطرح شده است. موضوع این پژوهش، بررسی مسائل پیش روی تربیت دینی در مواجهه با یکی از نمودهای پدیده فراگیر جهانی شدن، یعنی «فضای مجازی» است. با توجه به موضوع موردنظر، هدف پژوهش عبارت است از: معرفی و تحلیل راه کارها و مهارت‌های نظری برای دست‌یابی به تربیت دینی مطلوب در فضای مجازی. مقصود از مسائل تربیت دینی، مباحث، چالش‌ها و رهیافت‌های تربیت دینی در عصر کنونی است. بدین منظور، ابتدا لازم است به سه مفهوم بنیادی در قلمرو معرفتی بشر یعنی: عقل، دین و علم پرداخت تا مشخص شود مقصود دقیق این مفاهیم چیست؟ زیرا قرائت‌های متفاوتی از آن موجود است و همین تکرر قرائت سبب می‌شود امروزه تربیت دینی در فضای مجازی دوران پرتلهایی سپری کند. پس پرداختن به این موارد اهمیت بسیاری دارد، اینکه مقصود از دین، دین حداقلی است یا حداکثری، تبعیت از آن ضروری است یا اختیاری، عقل روشنگر و کاشف است یا میزان، صانع و واضع، همچنین علم باید سخن نهایی را در مسائل شناختی بزند یا نه؟

ضرورت پرداختن به وضعیت تربیت دینی در عصر تکثرپذیر پست مدرنیسم

از آنجا آشکار می‌شود که رد بنیان‌گرایی و قطعیت‌باوری پست‌مدرن در بافتی غیرتوحیدی، دغدغه معناجویی انسان معاصر را سمت‌وسو داده است و فضای مجازی نیز ماهیت فلسفی خود را از پست‌مدرنیسم گرفته که بستر این تغییرها شده است. پس از تردید اندیشمندان پست‌مدرن به آنچه غرب در دوره مدرنیسم بر آن پایه گرفته بود، یعنی عقل‌گرایی، انسان‌مداری، جهان‌شمولی، حقیقت‌محوری، فراروایت و کلام‌محوری، چیزی برای یقینی‌بودن باقی نماند. در این میان، این مسئله که آیا تربیت اسلامی، با معرفی مبانی تزلزل‌ناپذیرش و خلق زبان دینی متناسب با عصر کنونی، معرفت را از بحران نسبیت - که چند قرن است گرفتار آن شده است - نجات می‌دهد و یقین را جایگزین آن می‌کند، ارزش مذاقه دارد؛ زیرا یقینی که در هندسه معرفتی اسلام وجود دارد، یقین و اقتدار کلیسایی و قرون وسطایی نیست، حتی یقین و اقتدار علمی مدرن نیست؛ بلکه یقین مبتنی بر ترکیب عقل و وحی، و به‌همین دلیل، مشتمل بر تمام ابعاد وجودی انسان است. یقین دینی به سبک متفاوتی از تربیت منجر می‌شود که در تقابل با مبانی نسبی تربیت غیردینی است. پس یکی از مواضع ابهام و تردید، که در بستر علمی شدن معارف با جدیت از سوی فیلسوفان تحلیلی تربیت مطرح شده است، امکان تحقق تربیت دینی است. اینجاست که ضرورت همراهی پیام‌های دینی با اقناع عقلانی نمایان می‌شود و کمترین کارکرد آن، این است که سبب می‌شود این پیام‌ها به‌درستی شنیده شود. اما در این میان، فضای مجازی چیست و چگونه در حال تأثیر و تأثر بر حیات مطلوب انسان است؟ فضای مجازی، که از آن به فناوری ارتباطات و اطلاعات تعبیر می‌شود، محصول صنعت جهانی ارتباطات است. این صنعت، نوع جدیدی از ارتباطات مجازی را شکل داده است که به آن ارتباطات هم‌زمان می‌گویند. یکی از رویدادهای فناورانه، تحقق فضای سایبرنتیک است که با بیشترین نزدیکی، ماهیت فناوری را آشکار می‌کند. این فضای چندرسانه‌ای، پیام‌هایی متفاوت از جنس‌های متفاوت دارد، مرزبندی در این فضا نیست، معنای زمان و مکان در فضای مجازی متفاوت است و دوری و نزدیکی به‌عنوان عامل خنثی در ارتباطات محلی و جهانی محسوب می‌شود، مالکیت شبکه اینترنت در اختیار کشورهای صاحب قدرت

است و این موضوع بر مواضع انواع علوم، از جمله تربیت، تأثیر مستقیم دارد. دربارهٔ دین و فضای مجازی، پیش از این تحقیقاتی شده است، از قبیل: «نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در تربیت دینی فرزندان» (نظری، ۱۳۹۵)؛ «کاوشی در مبانی فلسفی فضای مجازی، با تأکید بر هستی‌شناسی هرمنوتیک» (ویسی تبار، ۱۳۹۳) و «بررسی رابطهٔ بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و گرایش دینی» (عباسی، ۱۳۹۱). با توجه به نتایج تأمل برانگیزی که از تحقیقات ذکر شده به دست آمد، هیچ پژوهشی تربیت دینی را در رویارویی با فضای مجازی از زاویهٔ مورد نظر محقق قرار نداده است و از این منظر، این پژوهش نگاهی تازه به موضوع به حساب می‌آید.

ماهیت تربیت دینی

در نظام تربیتی اسلام، آنچه از معنی تربیت دینی با توجه به منابع اصلی، یعنی کتاب، سنت، عقل و اجماع استنباط می‌شود، مشتمل بر این است که تربیت عبارت است از رشد و نمو، پرورش و هدایت انسان به سمت کمال؛ این هدایت از راه رساندن به درجاتی از بلوغ همه‌جانبه، برای تشخیص حق از باطل صورت می‌گیرد و حاصل آن، تزکیهٔ نفس و آراستن به فضائل در دنیا و وصول به سعادت در عقبی است. تربیت دینی، با تربیت عقلانی، هم‌سو و هدف آن، رسیدن به جایگاه «قرب» است. امام علی (ع) می‌فرماید: «عاقل‌ترین مردم، نزدیک‌ترین آنها به خداست»، (آمدی، ۱۳۴۰: ۸۴۳). دلیل این هم‌سویی عبارت است از: ۱. انسان موجودی است که ماهیتاً عقل دارد. این ویژگی نقطهٔ آغاز تربیت است؛ ۲. عقل دارای دو شأن نظری و عملی است که در عین ارتباطی که با هم دارد، به دو کارکرد مجزا برای عقل منجر می‌شود؛ ۳. عقل امری تربیت‌پذیر است، چون نقصان و زیادت می‌پذیرد؛ ۴. تجربه، پرورش‌دهندهٔ عقل است؛ ۵. وظیفه و غایت عقل، رشد و کمال آدمی است و این رشد بر اثر غلبهٔ عقل بر هوای نفس پدید می‌آید و ۶. عقل، زوال‌پذیر است.

برای اینکه بتوان تبیینی دقیق از ماهیت تربیت دینی ارائه داد، لازم است تعریفی مبنایی برای عقل، دین و علم در نظر گرفت. تأکید بر این سه مفهوم، به این دلیل است که اهمیتی بنیادی دارند و در تمام حوزه‌های معرفتی مداخله می‌کنند. هویت

تربیت دینی نیز با این سه مفهوم آشکار می‌شود و مقصود از آن در این پژوهش، به‌طور خاص تربیت اسلامی است؛ پس تفکر شیعی، مبناست و از میان اندیشمندان مختلفی که در مورد امکانات و حدود عقل، دین و علم سخن گفته‌اند، بر اندیشه نوصدرایی و از آن میان، به دیدگاه علامه جوادی آملی - که در نظریه عقلانیت و حیانی بسط یافته - پرداخته شده است. چون این نظریه، مستقیم از منابع اصیل دینی تغذیه می‌کند، بکر بودن آن نه از نظر ارائه محتوای نو، بلکه از منظر بررسی عالمانه، تبیین دقیق، احاطه کامل به مسئله و استدلال منصفانه است. بر اساس این نظریه، می‌توان امکان، معنی‌داری و ضرورت تربیت دینی را از زاویه‌ای تازه بررسی کرد؛ چنان‌که بتوان از راه تبیین دقیق مؤلفه‌های آن، به مسائل متنوع ایجادشده فضای مجازی پاسخ داد. نظریه عقلانیت و حیانی عبارت است از «یک سامانه معرفتی که بر اساس آن هم علوم دینی و حوزوی و هم علوم دانشگاهی و هر آنچه که برای بشر به‌عنوان علم شناخته شده از آن ساحت تولید می‌شود. عقلانیت و حیانی می‌تواند برای جامعه بشری در حوزه‌های مختلف نتایجی را به همراه آورد». تبیین این دیدگاه از راه روشن کردن معنی دین، عقل و علم صورت می‌گیرد. بر اساس نظریه عقلانیت و حیانی، دین عبارت است از: «مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، قوانین فقهی و حقوقی که از ناحیه خداوند برای هدایت و رستگاری بشر تعیین شده است» (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۱۹) و در تعریفی مشخص‌تر «دین خضوع و انقیاد در برابر برنامه یا مقرراتی معین است... مفاهیمی مانند اطاعت، تعبد، محکومیت، مقهوریت، تسلیم، قانون یا جزا، معنای اصلی کلمه دین نیست، گرچه به آن نزدیک و از لوازم آن است» (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۳۸۳). بر اساس آموزه‌های و حیانی، دین موجودیتی ثابت دارد و نزد خداوند متعال همان اسلام است. اسلام، دینی است که حقیقت ادیان دیگر را تأیید می‌کند و صورت کمال‌یافته آنان است. تعریف عقل نیز بر مبنای این نظریه چنین است: «عقل همان علم یا طمأنینه علمی است که از برهان تجربی محض یا تجربیدی صرف یا تلفیقی از تجربی و تجربیدی حاصل شده باشد» (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۶). در نگرش و حیانی به عقل، عقل در قلمرو دین قرار می‌گیرد و از این طریق منزلت آن افزایش پیدا می‌کند. به عبارتی «عقل نسبت به اصل

گنجینه دین مفتاح و مصباح است، اما میزان نیست». بنابراین منظور از عقل در تربیت دینی، فقط عقل محاسبه‌گر و ابزاری نیست که اتکایی به وحی ندارد. درخصوص تعریف علم نیز از منظر همراهی علم و عقل، پرداختن به عقل، توجه به علم نیز خواهد بود. جوادی آملی، حقیقت علم را به تبعیت از ملاصدرا، حقیقتی وجودی و اصیل و دارای آثار عینی و خارجی می‌داند. مقصود جوادی آملی از علم، همه علوم است؛ اعم از علوم تجربی و انسانی همچون فلسفه و عرفان و نه صرفاً علم تجربی که معیار صحت آن، آزمون‌پذیری و تعمیم‌پذیری است. پس در تعریف تربیت دینی، منظور از تربیت، علم تربیت به معنایی است که از علم گفته شد و منظور از قید دینی، دین به معنایی که آمد و شاخص برجسته آن عقلانیت، به معنایی است که مطرح شد.

ترسیم جایگاه عقل، دین و علم برای تبیین تربیت دینی، در بستر انسان‌شناسی دینی صورت می‌گیرد. در نظر گرفتن انسان‌شناسی دینی به منظور ایجاد نقطه اتکای تربیت دینی به نظرگاهی متقن و مستخرج از بطن قرآن و نیز برای اثبات حضور اثربخش تربیت دینی در عصر کنونی ضروری است. علامه جوادی آملی، متناسب با نظریه عقلانیت و حیانی، تفسیر انسان به انسان را مطرح می‌کنند و در بحث از انسان‌شناسی، به مقوله محکّمات و متشابهات قرآنی می‌پردازد؛ زیرا به اعتبار این سخن که «مَنْ رَدَّ مُتَشَابِهَ الْقُرْآنِ إِلَى مُحْكَمِهِ هُدًى إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸: ۲۶۱)، انسان تراز دینی از طریق عرضه انسان متشابه به انسان محکم معرفی می‌شود.

علامه طباطبایی در باب آیات محکم و متشابه گفته است: «آیات متشابه آیاتی‌اند که مقصود از آن برای فهم شنونده روشن نیست و چنان نیست که شنونده به مجرد شنیدن آن، مراد از آن را درک کند؛ بلکه در اینکه منظور، فلان معناست یا آن معنای دیگر تردید می‌کند و تردیدش بر طرف نمی‌شود تا آنکه به آیات محکم رجوع نموده و به کمک آنها معنای آیات متشابه را مشخص کند» (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۲۱). علامه جوادی آملی در کتاب تفسیر انسان به انسان، بحث محکّمات و متشابهات قرآنی را به انسان نیز تعمیم می‌دهد و می‌گوید: «انسان یا زنده است یا مرده (کافر) انسان زنده یا خواب است یا بیدار، انسان بیدار

یا بیمار است یا سالم، انسان سالم یا ناقص است یا کامل و انسان کامل یا کامل تر است یا کامل ترین» (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۲۵۸). از نظر ایشان در این تقسیم‌بندی، همه انسان‌ها به‌جز دو قسم آخر انسان متشابه هستند؛ علمای عامل، کامل هستند و انبیا و اولیا، اکمل می‌باشند. بر این اساس، انسان در انسان‌شناسی دینی، خویش را به قرآن (ارائه‌دهنده اوصاف انسان) و عترت (معرفی‌کننده انسان کامل) عرضه می‌کند؛ یعنی انسان متشابه خود را به انسان محکم عرضه می‌نماید و به میزان نزدیکی به «انسان کامل» به مسیر سعادت نزدیک می‌شود. به تعبیر دیگر، عرضه کردن انسان به عقل منفصل، همان رجوع متشابهات به محکومات است. منظور از عقل منفصل، انسان کامل است که مصداق بارز آن، پیامبر اکرم (ص) می‌باشد. معرفی انسان تراز، یکی از راه‌کارهای اصلی برای خروج از موقعیت‌های متعارض تربیتی است. پس در عرصه تربیت دینی - که عرصه عملی از هندسه معرفت دینی به حساب می‌آید - باید عقل عملی به عقل نظری رجوع کند تا افزون‌بر رفع تردیدها، انفعالات انسانی هم به مبنای محکم متکی شود. به عبارت دیگر، عقل عملی در صورتی ثمربخش خواهد بود که پشتوانه عقل نظری داشته باشد.

ماهیت و ویژگی‌های فضای مجازی

فضای مجازی که از آن به فناوری ارتباطات و اطلاعات تعبیر می‌شود، محصول صنعت جهانی ارتباطات است و همواره با دگرگونی ساختارهای اجتماعی همراه بوده است. یکی از رویدادهای فناورانه، تحقق فضای سایبرنتیک است که با بیشترین نزدیکی ماهیت فناوری را آشکار می‌کند. بنیان‌گذار علم سایبرنتیک «نوربرت وینر»^۱ است. به عقیده او، سایبرنتیک از واژه یونانی کوبرنتس^۲ به معنی سکان‌دار که منشأ واژه گاورنر^۳ است، گرفته شده است (بندیکت^۴، ۱۹۹۱ا: ۵). گیبسون^۵ نیز فضای مجازی را برای فضایی توصیف می‌کند که نخست تخیلی است و سپس از اتصال رایانه‌هایی شکل می‌گیرد

1. Norbert Wiener

2. Kubernets

3. Governer

4. Benedikt

5. Gibson

که مرتبط‌کننده تمام منابع اطلاعاتی به هم است (گیسون، ۱۹۸۴: ۶۷). از بطن فضای مجازی، واقعیت مجازی بیرون می‌آید؛ امری که عامل تعامل انسان با این فضا است و به یکی از بسترهای توسعه محتوایی پست‌مدرنیسم تبدیل شده است؛ زیرا انسان پست‌مدرن و کاربر فضای مجازی، هم متأثر از فناوریانه بودن فضای مجازی است و این، بیانگر غلبه شیء تکنیکی است و هم متأثر از ذات فضای مجازی که انسان مصرفی را ایجاد کرده است.

فرهنگ فضای مجازی

فرهنگ مجازی، فرهنگی نوپا و مربوط به جامعه جهانی معاصر است. دراصل، گسترش و تنوع فناوری‌های ارتباطی، مولد فرهنگی بوده است که تمام حوزه‌های معیشتی انسان را - از امور اقتصادی و سیاسی گرفته تا تفریح و سرگرمی - در سیطره خود قرار داده است. توجه به مسئله فرهنگ در فضای مجازی، از دیدگاه لوریا و ویگوتسکی، درباره توسعه فرهنگی ریشه گرفته است. فضای مجازی، یکی از ابعاد تعامل انسان با محیط است و تصمیم‌های ارتباطی و رفتاری انسان در شکل‌گیری یا تغییر این فرهنگ تأثیر دارد. از نظر بل «فضای سایبر، همیشه فرهنگ سایبر است» (بل، ۱۳۸۹: ۲۴)؛ یعنی ما نمی‌توانیم فضای مجازی را از زمینه فرهنگی آن جدا و به‌تنهایی بررسی کنیم. فرهنگ سایبری، یا به‌طور مستقیم از درون رایانه‌ها تولید می‌شود و مختص فضای مجازی شده درون رایانه است، یا نتیجه کاربست فناوری در زندگی انسان است؛ یعنی زندگی مجازی این فرهنگ را در زندگی واقعی جاری کرده است. از نظر دیوید بل، فرهنگ مجازی شیوه اندیشیدن پیرامون چگونگی ارتباط انسان‌ها و فناوری رقمی و چگونگی زندگی آن‌ها با هم است (بل، ۱۳۹۰: ۳۱). چون این فرهنگ، مرزهای قراردادی میان انسان‌ها را در می‌نوردد و اشتراک فکری نسبی را برای ایجاد پیوندهای مجازی کافی می‌داند؛ می‌توان گفت «فرهنگ سایبری، فرهنگی شناختی است، نه جغرافیایی» (رشیدیان، ۱۳۹۳: ۴۴۸). فرهنگ سایبری، در مقابل زدودن ساختار انعطاف بسیاری به خرج می‌دهد و هراسی از فروریختن، احیاشدن، کثرت‌پذیری، تنوع و دگرگونی ندارد. مهم‌ترین خصلت آن،

بی‌تعصب بودن در برداشت از پدیده‌های جهانی است. «اینترنت به‌عنوان شبکه‌ای بی‌مرکز، بدون اقتدار مرکزی - که از هر نقطه‌اش می‌توان با نقطه دیگرش ارتباط برقرار کرد و فضایی از پیوند فرهنگ‌های گوناگون خلق کرده است - مصداقی برجسته از ریزوم و بدیلی برای الگوی درختی و سلسله‌مراتبی ارتباط در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی غربی را نشان می‌دهد» (همان: ۳۴۴).

ویژگی‌های فضای مجازی	
متن محوری	متن، شامل هر نوع محتوای ارتباطی، مانند کتاب، تصویر، یک تابلو و صوت است. هرکس با هراندازه دانش، امکان تولید متن را دارد. متون با یکدیگر پیوند برقرار می‌کند و ابرمتن را تولید می‌کند (هایم، ۱۳۹۰: ۷۸)؛ متون اینترنتی در حد وافر باز و غیرمحدود است. شش ویژگی کلیدی متون وب از نظر میترا و کوهن، عبارت است از: بینامتنیت، غیرخطی بودن، محو نمودن تمایز بین خواننده و نویسنده، چندرسانه‌ای بودن، جهانی بودن و گذرایی (بل، ۱۳۸۹: ۲۹۸).
زیست شبکه‌ای	محیط شبکه از افراد، سازمان‌ها، فعالیت‌ها، خدمات و تجهیزات فناوری تشکیل شده است. اختیار نامحدودی به کاربر می‌دهد تا شخصیت مورد نظر خود را بسازد، آن را تعریف و بازنمایی کند، بدون التزام از آن شخصیت دست بردارد و نوع دیگری را تجربه کند. فردگرایی در عین زیست شبکه‌ای (شامل شبکه‌های من‌محور و جوامع شخصی شده) (کاستلز، ۲۰۰۱: ۱۲۸). هدفی کلیدی که میان مفاهیمی مانند: شبکه، اینترنت، اطلاعات، مجاز و رسانه پیوند ایجاد می‌کند، «ارتباط» است. منطق خاموش روشن یا منطق دوتایی برکل زیست شبکه‌ای سیطره دارد. دیدپذیری عمومی (کاربران خود را در نسبت با اشیای پیرامون می‌یابند و این متعادل‌سازی حریم خصوصی است) (بندیکت، ۱۹۹۱: b ۱۷۸).
توده‌محوری	دسترسی بدون محدودیت کاربران؛ به تخصص در درک و شناخت آن نیازی نیست؛ فاقد هر نوع سیستم نظارتی است؛ گفت‌وگوها تهی است، اطلاعاتی که رد و بدل می‌شود، فاقد عمق است؛ «کاربران معمولی» دریافت‌کنندگان منفعل فناوری هستند (بل، ۱۳۹۰: ۸۶)؛ کاربران از احساس «آزادی» سرشار می‌شوند، تعامل آزادانه، تبادل بی‌ملاحظه، ایفای نقش غیرکارشناسانه، بیان صریح علائق و باورها، انتخاب شخصی، آزادی عمل، پیوند و گسست غیرملاحظه کارانه.
کشف ناشناخته‌ها	وب، هر روز کاربرد تازه‌ای دارد و در حال غافل‌گیری کاربران است؛ پیش‌بینی‌های عجیب و غریب در مورد شکل‌های آینده شبکه که یکی از نمودهای آن، فراتر رفتن از بدن مادی است.

ویژگی‌های فضای مجازی	
مرزشکنی و همسان‌شدگی	غلبه سطح بر عمق؛ سلسله‌مراتب، معنی خود را از دست می‌دهد؛ تفاوت‌ها نامرئی می‌شود؛ روابط افراد و پدیده‌ها بیشتر به سیالیت و سستی گرایش دارد تا دوام و بقا، واکنش خنثی به پیوندهای محکم (کارنت و پترسون، ۱۹۹۸: ۳۱)؛ جست‌وجوی هر مطلبی با موارد زیادی از پیشنهادها همراه است؛ بینامتنیت (بل، ۱۳۸۹: ۲۹۸)؛ تنوع دسترسی به اطلاعات به‌حدی است که تشخیص اطلاعات درست از نادرست، دشوار می‌شود، از بین رفتن مرزها در روابط زن و مرد، محور مرز بین انسان و ماشین، نفی مرز بین عقل و جهل و برداشته شدن مرز بین مصرف‌کننده و تولیدکننده.
داستان‌گویی نمادی و شگفت‌انگیزی	از نظر بندیکت، فضای مجازی می‌آید تا «اگواکننده‌ترین مرحله اجرای واقعیت‌های اسطوره‌ای» و نخستین پایگاه داستان‌گویی نمادی باشد (بندیکت، ۱۹۹۱a: ۶)؛ سحرآمیزی فضای مجازی، با نقض اصول حکم‌فرما بر تجربه‌های ما، در «زندگی واقعی» روی می‌دهد (بندیکت، به نقل از بل، ۱۳۹۰: ۵۸)؛ کاربران سرپیچی از قوانین را دوست دارند؛ بازیگران در این فضا، خودشان گرداننده شخصیت‌های آن هستند؛ تجربه شگفت‌انگیزی در این فضا بدون صرف هزینه است و خطر کمتری داد.

مسائل تربیت دینی در فضای مجازی

در این عصر، تربیت دینی به‌عنوان رویکردی مبنای‌پذیر و بنیادگرا به تربیت، در رویارویی با آنچه بنیادگریز و تکثرپذیر است، دستخوش مسائل تازه‌ای می‌شود که پرداختن به آن اهمیت وافر دارد. مسائلی از قبیل:

۱. **مباحث مربوط به زبان:** با توجه به اینکه در فضای مجازی، زبان جایگزین عقل می‌شود، نتایج این جایگزینی برای تعلیم و تربیت دینی متحول‌کننده است؛ اینکه زبانی ماورایی نباشد که نقش مرجعیت نهایی را در موقعیت کثرت اطلاعاتی برعهده گیرد، در تقابل آشکار با بنیان دینی برای تربیت است.

۲. **چالش ساخت‌زدایی برای تربیت دینی:** این چالش به دلیل تغذیه فضای مجازی از سرچشمه پست‌مدرنیسم ایجاد می‌شود.

۳. **چند رسانه‌ای بودن فضای مجازی:** شاید فضای مجازی پیام‌هایی متفاوت از جنس‌های متفاوت داشته باشد، مرزبندی در این فضا وجود ندارد، سرشار از هویت‌های سیالی است که خلق‌الساعه است؛ به گفته شری ترکل: «ما در آستانه میان دنیای واقعی و دنیای مجازی زندگی می‌کنیم، از جای پای خود مطمئن

نیستیم و چنان‌که پیش می‌رویم خود را کشف می‌کنیم (ترکل، ۱۹۹۵: ۱۰)؛ این فضا با قدرت زیاد، موازی با فضای واقعی در حال حرکت و اثرگذاری بر زندگی انسان‌هاست. همچنین شالوده‌شکنی در این فضا، قالب فرهنگی و بافت تربیتی را در هم می‌ریزد، آن را بازنگری می‌کند و از چند راه به فضای مجازی ماهیت سیال می‌دهد: «از بین رفتن انواع تقابل‌ها و مرزها، زیست شبکه‌ای و آزادی و اختیار عمل در تولید و انتقال محتوا. در این میان، زندگی شبکه‌ای اهمیت وافر دارد» و کاستلزا در توصیف آن می‌گوید: «شبکه بدون معانی دقیق است. می‌تواند جان ببخشد یا جان بگیرد. هیچ چیز شخصی وجود ندارد. همه چیز به اهداف و زیباترین، به‌صرفه‌ترین و خودترمیمی‌ترین نوع شبکه مذکور بستگی دارد تا این اهداف را اجرا نماید» (کاستلزا، ۲۰۰۱: ۱۶۷). با این توضیح، اگر چالش قرن بیست‌ویکم برای تربیت دینی «ساختارزدایی» است، فضای مجازی بستر ظهور این ساختارزدایی است، زیرا «تجهیزات ارتباط بین فردی در اینترنت به پیوندهای محکم حالتی خنثی دارد یا به‌جای ارتقا، آنها را تضعیف می‌کند»، (کارنت و پیترسون، ۱۹۹۸: ۳۱).

۴. تغییر رهیافت‌ها برای تربیت دینی مطلوب: اطلاعات در فضای مجازی دائم در حال دگرگونی است و این ویژگی، شاید مانع استخراج اهداف تربیتی ثابت از آن فضا شود؛ گرچه ویژگی در تحرک بودن برای تحقق تعلیم و تربیت مطلوب، مؤثر و محرک است، اما چندریختی بودن آن در فضای مجازی، به تربیتی ناهمگون منجر می‌شود. مسائلی از این قبیل، فضای مجازی را در بستر ایده فراگیر جهانی شدن به مجموعه‌ای از فرصت‌ها و محدودیت‌ها برای دین تربیت دینی تبدیل کرده است؛ به عبارت دیگر، تعامل اطلاعاتی در فضای مجازی، آثار جدی در نمود کلی تربیت در جامعه خواهد داشت.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

نقش «تعریف عقل، دین و علم» در تحقق «تربیت دینی مطلوب» در فضای مجازی بر مبنای نظریه عقلانیت و حیانی، سه مفهوم اصلی عقل، دین و علم چنین

تعریف شد: دین «خضوع و انقیاد در برابر برنامه یا مقرراتی معین» (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۳۸۳) است؛ با این تعریف، دو مؤلفه مهم تربیت دینی به دست می‌آید، از قید اول این تعریف، معنویت تربیت دینی و از قید دوم، عقلانیت آن. همراهی این دو مؤلفه، نقطه عطفی در حیات تربیت دینی در فضای مجازی است. در باب عقل، موضع سلبی و ایجابی این است که عقل میزان و حاکم و واضع نیست؛ درعین حال «داور در قضایا، معلم در مسائل نظری و طبیب در امراض درونی است و صاحب‌خانه وجود انسان است» (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۲۸۸). علم نیز براساس نظریه عقلانیت و حیانی همان عقل است. تنها آنچه از طریق حس و تجربه به دست می‌آید، علم نیست، بلکه آن علم مثله‌شده و معیوب و منقطع الاول و الاخر است (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۱۴۰). با مبنا قرار دادن این تعاریف، موضوع بحث به فضای مجازی تعمیم داده می‌شود. فضای مجازی پیش از آنکه به علم متکی شود، به فناوری متکی است؛ یعنی از خلال فناوری، به علم مربوط می‌شود. فضای مجازی در وهله نخست، به‌عنوان فناوری که با دین سر جдал ندارد، در نظر گرفته می‌شود؛ سپس به‌عنوان امکانی که می‌تواند به شکوفایی دین یاری رساند. بررسی‌های تاریخی نشان داده که فناوری برخلاف علم، هرگز در موضع رقابت با دین قرار نگرفته است. گرچه بعضی، فناوری را ابزار می‌دانند که تخریبگر طبیعت است، اما از رویکردی دیگر فناوری، نقطه تلاقی میان علم، دین و پایان‌بخش درگیری‌های آنها بوده است. با این توضیح، امکان هم‌افزایی دین، فضای مجازی و کارآمدی عقلانیت در این میان، به مقدماتی وابسته است. اولین مقدمه این رویکرد، این است که چون این فضا فی‌حد ذاته رقابت برتری‌جویانه با دین ندارد، به تحلیل و واکاوی فلسفی بیش از معرفی ظاهری نیازمند است تا قابلیت‌های خود را نمایان سازد. مقدمه دوم این است که برخی نظریه‌پردازان، مانند پاول دیویس^۱ معتقدند توسعه علم و فناوری به گونه‌های مختلف به جست‌وجوی معنوی انسان‌ها دامن

زده است. «مطابق با وعده‌های واهی تکنولوژی و تبدیل ناگهانی به بالاترین درجه مدرنیته و پسامدرنیته، تکنولوژی ممکن است دوباره سهواً به تغییر از فضای «علمی» به «مذهبی» دامن بزند» (دیویس، نقل به مضمون از جرج، ۱۳۹۰: ۶۴)؛ با بیان این دو مقدمه، دست کم می‌توان نتیجه گرفت که تعامل دین و فضای مجازی ناممکن نیست.

با این حال، در مورد امکان تربیت دینی مطلوب در فضای مجازی بر محور عقلانیت و معنویت، بیشتر از همه جدال بر سر عقل و معنی آن بوده است. به عبارت دیگر، عقلانیتی تربیت دینی را در فضای مجازی و غیرمجازی انکار می‌کند که تلقی فوق از عقل را نمی‌پذیرد؛ یعنی عقل را به عنوان یکی از منابع معتبر شناخت در نظر نمی‌گیرد. دلیل این نپذیرفتن، این است که اندیشه پست‌مدرنی - به عنوان پشتوانه نظری فضای مجازی - در مواجهه با عقل، دچار خطای معرفتی شد و مرجعیت عقل را نیز مانند مرجعیت دین و علم انکار کرد؛ اما از ساختمان معرفتی پست‌مدرنیسم، چنین لازمه‌ای بر نمی‌آید که عقلانیت را رد کند. اینکه دین و علم به عنوان کلان‌روایت رد شوند، با مبانی فکری پست‌مدرنیسم همسوست؛ اما آنها دست‌درازی نادرست به حیطه عقل کردند که عقل را هم به عنوان مرجعی نهایی رد نمودند؛ گرچه عقل، روایتی کلان نیست که مرجعیت آن، مانند علم و دین به چالش کشیده شود؛ روایت‌ساز یا روایت‌پذیر یا روایت‌گریز یا به عبارت دقیق‌تر «معیار» است. از سوی دیگر، در اینجا رد مرجعیت عقل، از سوی خود عقل صورت گرفته است؛ زیرا چیزی که خود عامل سنجش امور است، با ابزار خودش، سنجش نمی‌شود؛ بلکه سنجش عقل را قدرتی بالاتر باید انجام دهد. حتی اگر بر اساس نگرش پست‌مدرن گفته شود، چیزی در ماوراء وجود ندارد که به جای عقل، عامل سنجش عقل باشد؛ لازم است در عقل توقف کرد، نه اینکه مرجعیت عقل را به عنوان منبع شناخت، انکار کرد.

پس از اینکه عقل در جایگاه خود، به عنوان معیار لحاظ شد، تبیین نقش آن در فضای مجازی با وضوح بیشتری صورت می‌گیرد. یعنی عقلانیتی که در بستر

مباحث نظری تعریف و تحلیل شد، خود را با مفهومی عینی‌تر و کاربردی‌تر، مانند «بصیرت» نمایان می‌کند. می‌توان گفت یکی از کارکردهای بصیرت، در تحلیل و گزینش‌های انسان در فضای مجازی است؛ در فضایی که ماهیت آن آگاه‌سازی است، بصیرت عهده‌دار تحلیل و ارزیابی «داده‌ها» خواهد بود؛ زیرا داده‌ها در فضای مجازی، با دو شکل، غیرهدفمند و هدفمند، حضور دارد و نیاز به سنجش حس می‌شود که میان داده‌های مفید و غیرمفید گزینش کند. چون این داده‌ها ماهیتاً سیار، سیال، محرک، متحرک و کثرت‌پذیر است؛ بصیرت، به‌مثابه پل ارتباطی میان عقل، دین، فناوری و فضای مجازی عمل می‌کند. زیرا در فضای مجازی - که سرشار از داده‌هاست - حواس انسان بیشتر از فکر او درگیر می‌شود. درکل در هر فضای کثرت‌پذیر به معیاری معتبر نیاز است تا عمل گزینش را انجام دهد و ذهن را از آشفتگی ناشی از تکثر راه‌ها و اختیارها نجات دهد. در فضای ذاتاً متنوع و متکثر مجازی، بُعد عقلانی تربیت دینی، با تمرکز بر مفهوم بصیرت، همان معیار قابل‌اعتماد برای گزینش و عمل تربیتی است.

تشخیص محکمات و متشابهات، در فضای مجازی

برای اینکه ارتباط امور محکم و متشابه، در فضای مجازی و دخالت عقلانیت و معنویت در تشخیص محکم و متشابه و گزینش از میان آنها روشن شود، پیشبرد مبحث از خلال ویژگی چندبعدی بودن فضای مجازی و اهمیت عنصر آزادی در واقعیت حیات انسان صورت می‌گیرد. عاملی می‌گوید: «پارادایم دوفضایی شدن امری چندجانبه و مبهم است» (عاملی، ۱۳۹۶: ۱۹۰)؛ هرآنچه در ابعاد خود تکثر داشته باشد، محتاج معیار است و هرآنچه مبهم باشد، محتاج عناصر و ضوابط بخش چندبعدی و مبهم‌بودن روند دوفضایی شدن، در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تجلی کرده است و پیچیدگی‌های متنوعی می‌سازد که عبور از آنچه در زمان کنونی - که دوره ظهور قارچ گونه پیچیدگی‌هاست - و چه در آینده - که مباحث مربوط به دوفضایی شدن، توسعه و تکامل بیشتری خواهد یافت - محتاج همراهی عقلانیت و معنویت است؛ پس عقلانیت، معیار و معنویت، وضوح بخش پارادایم دوفضایی شدن در بُعد نظر و عمل است.

همچنین اموری مانند آزادی، میل و نیاز - که اکنون در فضای مجازی، عامل تشخیص و گزینش اطلاعات است و حکم معیار را یافته - اموری متشابه است که باید به محکومات خود عرضه شود و حکم اصلی خود را پیدا کند تا کاربر فضای مجازی تصور نکند قوانین این فضا، متفاوت از قوانین جاری در حیات غیرمجازی است. بحث موردنظر، با تحلیل معنا و کاربرد آزادی پیش می‌رود؛ زیرا آزادی برجسته‌تر از بقیه موارد و مشرف بر تمام ویژگی‌های فضای مجازی است که در بخش پیش توضیح داده شد. ساده‌ترین مفهوم آزادی، تعریف هابز است که آن را طلب بدون امیال و تمنیات می‌داند. او می‌گوید: « [آزادی] اراده آخرین میل در جریان تأمل و چاره‌جویی است » (هابز، ۱۳۸۰: ۱۱۲). درمقابل، کانت باور دارد: « عملی که انگیزاننده‌اش صرفاً میل محسوس است، آزاد نیست؛ چون انسان‌ها می‌توانند برده تمایل‌های درونی خود باشند، چنان‌که می‌توانند اسیر نیروهای خارجی باشند. در این نگاه، آزادی عمل به معنی دقیقش، باید از عقل نشئت گرفته باشد، بدین معنی که تنها عمل عقلانی می‌تواند به درستی آزاد تلقی شود » (۱۳۷۶: ۲۰). اما در اندیشه اسلامی، آزادی با حیات معقول نسبتی دارد که علامه جعفری، با دقت علمی آن را تبیین می‌کند: « حیات معقول از مرحله‌ رهایی، شروع می‌شود و از آزادی عبور می‌کند و در مرحله‌ والای اختیار شکوفا می‌شود. محققان حرفه‌ای، غالباً میان این سه مرحله تفاوتی نمی‌گذارند؛ اما رهایی برداشته‌شدن قید و زنجیر جسمانی، قراردادی یا روانی است؛ آزادی، رها بودن از زنجیر به‌اضافه داشتن توانایی انتخاب براساس استقلال و احساس شخصیت است، اما تعیین‌کننده نیکی و بدی، عظمت و پستی، زشتی و زیبایی نیست؛ اختیار نظارت و سلطه شخصیت به دو قطب مثبت و منفی عمل برای بهره‌برداری از آزادی در راه وصول به خیر و رشد است. اختیار، کسب معقول به وسیله فعالیت عقلانی است » (جعفری، ۱۳۶۱: ۴۳). با این توضیح، اصلی‌ترین عامل گزینش در فضای مجازی، همان عامل وصول به سعادت و حیات طیبه است، مشروط به اینکه تلقی درستی از آن وجود داشته باشد.

بررسی دقیق اینکه، آزادی جزء متشابهات انسان است نه محکومات او،

نیازمند پرداختن به علت وجود آزادی است؛ از نظر گرام، آزادی دو علت دارد: ۱. عقل ۲. مرجحات یا توان انتخاب مرجحات، (گرام، ۱۳۹۳: ۱۲۹). البته، چون مرجحات بر تأملات معقول متمرکز است، آن هم به عقل بازمی‌گردد، حتی اگر ریشه مرجحات کشش‌های غریزی باشد؛ چون میان این امیال هم امکان برخورد یا ناسازگاری وجود دارد. این عقل است که با سنجش متأملانه از میان انگیزه‌ها گزینش می‌کند؛ پس علت وجود آزادی و اختیار همان عقل است. گرام، به عامل جامعه‌پذیری و آموزش آن نیز اشاره می‌کند و آن را راهکار مهارکردن امیال و تبدیل آن به مرجحات می‌داند؛ از نظر او، این عامل، نه تنها نافی آزادی نیست؛ بلکه منسجم‌کننده هم هست (همان: ۱۳۱ و ۱۳۳). یکی از تجلیات آزادی در فضای مجازی، اینکه دسترسی به اطلاعات را برای همه میسر می‌کند و فراتر از آن، امکان مشارکت در تولید داده را برای تمام کاربران مهیا می‌نماید و سطوحی از دموکراسی را فراهم می‌سازد که لزوماً مقبول و موجه نیست. گرام، این نوع آزادی را افسارگسیختگی می‌داند و می‌گوید: «اینترنت به‌عنوان هرج و مرج بر دو فرض مبتنی است: ۱. اینترنت جریان نامحدود اطلاعات است و دانایی، توانایی است؛ ۲. آزادی جزئی از تمینات ذاتی است که انسان همواره در جست‌وجوی بی‌امان آن بوده است. تنها با این دو فرض است که می‌توان گفت توانایی و بگردی با هیچ‌چیز دیگری جز تمایل شخصی انسان‌ها به‌سوی آزادی یا افسارگسیختگی تبیین‌پذیر نیست» (همان: ۱۲۰ و ۱۲۱).

پس آزادی فضای مجازی با تغییر صورت دادن به اختیار - که در آن، درجه‌های عمیق‌تری از عقل‌ورزی دیده می‌شود - مصداقی از رجوع متشابهاً به محکمات است.

بایسته‌های فضای مجازی

با اینکه ورود همه‌جانبه به عرصه فضای مجازی، بایسته‌های بسیاری برای آن تعیین می‌کند؛ توجه ویژه پژوهشگر، به مسئله خاص خود و لزوم جهت‌دهی پژوهشی سبب شد به دو مطلب مهم در این بخش پرداخته شود:

● درک خدای همه‌جا حاضر

تبيين و توسعه فلسفه اطلاعات در سنت فلسفه تحليلی درکی از جهان ارائه می‌دهد که در آن، انسان نقش معنی‌بخشی به‌عهده دارد و با این رویکرد، نه معناداری را به‌شدتِ پوزیتیوسیت‌های منطقی رد می‌کند؛ و نه مانند معتقدان به سنت‌های الهی، برای تبیین امور به منبع متافیزیکی متکی می‌شود؛ بلکه، شعور انسانی را وافی به مقصود می‌داند. فلوری‌دی^۱ می‌گوید: «فلسفه تحليلی در حوزه فلسفه اطلاعات بر وجود معنی، بدون کمک گرفتن از منبع متافیزیکی و صرفاً تلاش انسان تأکید دارد»، (نقل از عاملی، ۱۳۹۶: ۸۵). اما این رویکرد، با همه لواحق و تفصیلات آن، درحقیقت ناشی از فقدان باور قلبی - نه فقط باور نظری - به گزاره «حضور همه‌جایی خدا» است. فضای مجازی جزء جهان امکان است و فضایی خارج از حیطه قدرت، علم و اراده الهی نیست، بلکه جزئی از هستی است که تاحدودی رمزگشایی شده است؛ پس به همان شکل که در فضای غیرمجازی حضور خدا، انسان را مکلف می‌کند، در فضای مجازی نیز تکلیف از انسان ساقط نمی‌شود. باور به حضور همه‌جایی خدا، امری فراتر از چارچوب‌های دینی است؛ بلکه امری است که با پذیرش عقلانیت و معنویت به‌شکل طبیعی پذیرفته می‌شود و اینکه به دین خاصی قائل باشیم یا نه، مسئله ثانوی است. براین آرتور، از رابرت پیرسیگ، نقل می‌کند: «بودا، پروردگار به‌همان اندازه که در ستیغ کوه‌ها یا برگ‌های گل جا دارد، در مدارهای یک رایانه دیجیتال یا دنده‌های یک چرخ نیز آرام جا گرفته است» (آرتور، ۱۳۹۴: ۲۶۹).

اما تأکید مؤلف در این پژوهش، بر این است که تربیت دینی، ادراک «حضور همه‌جایی خدا» را سهل می‌کند و برداشتی منطقی و منسجم، براساس هستی‌شناسی انسان ارائه می‌دهد. افزون‌براین، با نگاه هستی‌شناسانه به شکلی دقیق‌تر می‌توان ظهور متافیزیکی نوین را تفسیر کرد. در مورد آینده متافیزیکی جهان، گرام معتقد است: «آینده فضای سایبری نوآوری‌های متافیزیکی به‌همراه خواهد داشت» (گرام، ۱۳۹۳: ۲۱۲). همچنین، هایم

می‌گوید: «فضای سایبر، همراه محیط‌های مجازی و جهان‌های وانموده‌اش، آزمایشگاهی متافیزیکی و ابزاری برای آزمون معنی ما از واقعیت است» (هایم، ۱۳۹۰: ۱۵۵). باینکه این رویکرد پیش‌بینی‌های جالبی برای آینده جهان دارد، اما کنار این برداشت مهم – که مفاهیم متافیزیکی از بین نمی‌رود؛ بلکه انسان در ورود به آنها تغییر موضع می‌دهد – باز هم نارسایی بنیادی وجود دارد؛ یعنی از پیش فرض موضع مقابل غفلت شده است و اینکه «رد متافیزیک، مساوی با رد خداست». فلوریدی (۲۰۰۳: ۴۶۱)، با تعبیر «کشتن خدا» از آن نام می‌برد و آن را جنایت متافیزیکی فلسفه معاصر می‌داند. در جهان معاصر، انسان از توحید ربوبی غفلت نموده و توحید افعالی را انکار می‌کند؛ گرچه منکران متافیزیک، قائل به این بودند که مفاهیم متافیزیکی، عیناً همان مفاهیم دینی نیست؛ از انکار متافیزیک به معنی دقیق کلمه رد و حذف خدا مدنظر بود، زیرا مفاهیم متافیزیکی، دیگر مثل جوهر، حرکت، زمان و مانند آن، صرفاً تغییر نام داد و زاویه نگریستن به آنها تغییر کرد و به لحاظ وجودی نفی نشد. اما این مفهوم خدا بود که به لحاظ وجودی نفی گردید. به عبارت دیگر، معرفت انسانی که زندگی شبکه‌ای را مدیریت می‌کند، مخالف بنیادگرایی است؛ منطقی شبکه‌سازی، شبکه و نهاد را مقابل هم قرار می‌دهد. دین‌داری و خدا نوعی بنیاد است که باید در تقابل با زیست شبکه‌ای کنار رود.

پس لازم است در هر پژوهشی در خصوص فضاها و مجازی و غیرمجازی – که ساختمان معرفتی انسان را شکل می‌دهد – نخست خدا در جای خود قرار گیرد و آنجا «همه جاست»؛ همچنین ظرفیت نهادی و شبکه‌ای دین، به درستی تبیین شود. این تلاشی معرفتی است که انسان معاصر باید انجام دهد، نه تلاش وجودی؛ چون معرفت در اختیار ما و وجود خارج از اختیار ماست.

● اخلاق نظارتی در فضای اطلاعاتی

فهم کامل عقلانیت و معنویت، به وجود اخلاق نظارتی حکم می‌کند. این حکم، در تمام زمان‌ها و مکان‌ها جاری است و فضای اطلاعاتی مستثنی از آن نیست. اخلاق ورزی در این فضا را در دو سطح می‌توان مطرح کرد:

۱. سطح عینی و محسوس

۲. سطح متافیزیکی

در سطح عینی - که عموم مخاطبان قابل درک است - در بستری وسیع، اما غیرعمیق نظارت از نوعی که به وجدان فردی یا آداب اجتماعی متکی است، نه صرفاً قانونی و اجباری، صورت می‌گیرد. اخلاق نظارتی، بیانگر درک و فهم متعارف انسانی در بُعد فردی و اجتماعی است که به معیشت انسان نظم می‌دهد و دارای درجاتی از عقل معاش است؛ اما توجه متمرکز ندارد بر عقل معاد و نقشی که به‌عنوان پشتوانه نظری و عملی عقل معاش دارد؛ هرچند به این معنی نیست که در مغایرت با آن است؛ بلکه دارای سطحی عینی، محسوس و ظاهری از واقعیت چندبعدی هستی است.

سطح متافیزیکی، دربردارنده سطح عینی و یک مرتبه بالاتر از آن است. در این سطح، به‌جهد، بر اخلاق فردی و اجتماعی توجه می‌شود؛ با این رویکرد که تمام مبادی و مبانی اخلاقی منبعت از منبعی است که آن منبع، انسان را در حقیقت کاملش در نظر می‌گیرد و سعادت‌مندی او را در نظر به جایگاه او در کل هستی تعریف می‌کند. اخلاق نظارتی در فضای اطلاعاتی، با توجه به این رویکرد، چند شاخصه مهم و متمایز دارد:

۱. مختص به تمام زمان‌ها و مکان‌هاست؛

۲. مخاطب آن، انسانی است که قابلیت عروج به اعلیٰ علیین و سقوط به

اسفل السافلین را دارد؛

۳. بر این فرض بنیادی استوار است که انسان، قابلیت ارتقای روانی و تجلی در سطوح مختلف دارد و زیست در فضای مجازی، جلوه‌ای از انواع جلوات وجودی انسان است و مسحور آن شدن، فقط به‌دلیل اکتشاف تازه آن است.

فلوریدی نیز از اخلاق نظارتی بحث می‌کند و معتقد است رویکرد به فلسفه اطلاعات، اگر از چشم‌انداز تفسیری یا آستانه‌ای ملاحظه شود، به معنی پذیرش دیدگاهی متافیزیکی است؛ اما چون می‌گوید: «اخلاق اطلاعاتی، تکامل اخلاقیات محیطی است و اصل اساسی آن، این است که چیزی وجود دارد که مهم‌تر از حیات است و آن فهمیده‌شدن از نظر اطلاعاتی است» (فلوریدی، به نقل از عاملی، ۱۳۹۶: ۸۵) به نظر می‌رسد دیدگاه او بیشتر ناظر به سطح عینی از اخلاق ورزی است، تا سطح متافیزیکی به معنایی که آمد.

تناظر مفاهیم در فضای مجازی، تربیت دینی و تحلیل آن

● متن محوری

با توجه به خصایص متون وب - که عبارت است از: برخورداری از ویژگی بینامتنیت، محور تمایز خواننده و نویسنده، چندرسانه‌ای، جهانی، گذرا، ریزوماتیک، غیرخطی، افقی، سیال، شکننده، حرکت خودجوش، ملکولی و مخالف ساختارهای عمیق - تحلیل متن محوری چنین است:

۱. انسان در جایگاه متربی، سه نوع مواجهه با متن دارد که هرکدام با طرح یک پرسش همراه است:

۲. متن‌گزینی: گزینش، کار چه کسی است؛ کاربر یا رویه‌ها؟

۳. فهم متن: کاربر چگونه متن را می‌فهمد؟ براساس دانش و دریافت خود یا آن‌گونه که متن، از سوی سازنده، برای فهمیدن به‌گونه‌ی خاص ساخته شده است؟ بازنمایی متن: کاربر چنان‌که متن را می‌فهمد، آن را بازنمایی می‌کند. پس، این مرحله، به مرحله قبل وابسته است.

در طول این مراحل خوداندیشی، بررسی، دلیل‌سازی، تصمیم‌گیری و انتخاب جریان دارد؛ اما باید دانست آیا این امور، افعال آگاهانه کاربر است یا ناآگاهانه؟ همچنین میزان اختیار و توجه کاربر چقدر است؟ گزینش، فهم و بازنمایی، وابسته به بود یا نبود دو عامل «معیار» و «وضوح بخش» است:

اگر وجود داشته باشد، عمل گزینش را کاربر انجام می‌دهد و اگر نباشد، رویه‌ها گزینش خواهد کرد.

اگر وجود داشته باشد، فهم متن از سوی کاربر خواهد بود و اگر نباشد، خالق متن، مدیریت فهم خواننده را بر عهده خواهد گرفت.

اگر فهم درست صورت گیرد، بازنمایی، بیانگر واقعیت خواهد بود و اگر فهم صائب نباشد، بازنمایی، غیرواقعی خواهد شد.

با توجه به آنچه آمد، به‌منظور راه کار برای مواجهه متن محوری در فضای مجازی و تربیت دینی، باید افزود:

باید هدف تربیت را شناخت و متنی را گزینش، فهم و بازنمایی کرد که در راستای هدف باشد. در تربیت دینی بر «عقلانیت» به عنوان «معیار» و بر «معنویت» به مثابه «وضوح بخش» تأکید می شود و متعلم باید دارای این دو توانمندی باشد تا روند تربیت فعالانه باشد نه منفعلانه. این دو عامل، مانع پیشروی بیش از حد رویه ها می شود، حتی اگر آن رویه خود دین باشد. این مطلب را می توان از آیه مربوط به فجور و تقوا به دست آورد.

مخالفت با ساختارهای عمیق، تهدید متن محوری برای تربیت دینی نیست؛ زیرا این تهدید، برخاسته از ذات فضای مجازی نیست، بلکه غلبه رویه ها، این ویژگی را به آن الحاق کرده است. متن محوری فضای مجازی، در ماهیت خود ناسازگاری با ساختارهای عمیق ندارد؛ چنان که توسعه شبکه های مجازی از سوی نهادهای دینی یا انجمن های مردمی، در عمل نشان داد، نشر و انتقال سالم محتوای دینی در فضای مجازی ممکن است؛ بدون اینکه به ویژگی متن محوری آن لطمه ای وارد شود یا این ویژگی مانعی برای انتقال محتوا گردد.

● زیست شبکه ای

زیست در شبکه، فرصت هایی برای تعامل اجتماعی ایجاد می کند و ارضاء کننده روح زندگی جمعی است. در دین اسلام نیز به زندگی با جماعت سفارش شده است. چون زیست در شبکه، فقط امتداد حیات انسان و جلوه ای تازه از زندگی رو به تکامل بشر است، انسان در مواجهه با این شیوه زیستن، عناصر ذاتی و ماهوی خود را در تغییر و تحول نمی بیند؛ بلکه انسان، همان انسان است. از سوی دیگر، تربیت دینی از یک منظر، اهداف، اصول، مبانی و روش هایی دارد که وجهه بیرونی آن را مقبول می کند (آفاقی) و از منظر دیگر، به خودسازی و تکامل درونی فرد کمک می کند (انفسی)؛ پس نگاه جامعی به ساحت های وجودی انسان دارد. چون زیست در شبکه، نباید فرصت خودسازی، خوداندیشی و تفکر انفسی را از ما بگیرد، برای کنترل این محدودیت باید:

۱. استفاده از فضای مجازی، زمان مند و مکان مند شود؛
۲. در طول روز فرصتی برای خلوت با خود اختصاص یابد؛

۳. توجه به عالم آفاق و انفس، برای تقویت نظارت درونی وجود داشته باشد (شایان ذکر است با قطع نظر از غایت و علت حقیقی نظارت درونی، این نوع نظارت با آنچه پراگماتیست‌هایی چون دیویی، در نظر دارند، هم‌سو خواهد بود).

● توده‌محوری

فضای مجازی، نیازمند هدایت و کنترل درونی و بیرونی است. تربیت درونی، بیش از هر چیز، نظارت درونی را تقویت می‌کند تا در محیط غیریکپارچه مجازی، الزام‌های درونی - که عقلانیت و معنویت، هدایت می‌کند - عمل تشخیص را به‌عهده گیرد. توده‌محوری فضای مجازی، امکان فعالیت همه سطوح جامعه را در تمام مسائل فراهم می‌کند (و این به‌خودی خود نیز نوعی رشد در لایه سطحی جامعه به حساب می‌آید)؛ اما به دلیل ماهیت آن، گزینش درست از نادرست را به‌عهده گمان می‌نهد، نه عقل سلیم و این، ریشه بیشتر مشکلات ایجادشده از سوی توده‌محوری است. تربیت دینی، با تأکید بر عقلانیت، راه را بر درک و گزینش غیرمستدل و مستند می‌بندد. به عبارت دیگر، مجهزشدن به عقلانیت، برای کاربر فضای مجازی و درک هدف‌دار بودن زندگی - که در سایه ترکیب عقلانیت و معنویت حاصل می‌شود - راه عبور از چالش‌هایی است که ویژگی توده‌محوری در فضای مجازی را به‌همراه دارد. در نتیجه کاربر باید:

قبل از ورود به فضای مجازی، خود را بشناسد و به ارزش‌ها و جایگاه خود واقف شود.

در محیط متکثر مجازی بتواند آرمان خویش را دنبال کند. حتی اگر در سطح بالایی از درک ارزش انسانی خود نیست، دست کم می‌تواند به‌جای تبعیت کورکورانه، به هم‌بستگی عرفی تن دهد.

۱. از انتشار متون بدون سند اجتناب کند.

۲. در اموری فعالیت کند که در حیطه تخصص اوست.

۳. استفاده از فضای مجازی را زمان‌مند و مکان‌مند کند.

۴. با پرورش روحیه خلاقیت، روحیه مصرف‌گرایی را کاهش دهد.

۵. مرزسختی و همسان‌شدگی.

در تربیت دینی، تاجایی که همسان‌شدگی، دلالت بر موقعیت برابر در برخوردارگی از امکانات مادی و معنوی تربیت دارد، بر همسان‌شدگی تأکید می‌شود؛ اما در تربیت دینی، عدالت به معنی تساوی نیست. در تربیت دینی، دو مطلب مهم به‌عنوان اصل پذیرفته است: ۱. تقسیم امور به عقلانی و وهمانی، یا حق و باطل ۲. انسان به‌دلیل برخوردارگی از عقل و تعالی‌جویی، هرگز با حیوان (که نوع سافل است یا ماشین، که مخلوق موجود ممکن است) در مرتبه قیاس قرار نمی‌گیرد.

داستان‌گویی نمادی و کشف ناشناخته‌ها

تمایل انسان به امور جالب و محرک، انکارشدنی نیست؛ اما این میل، هدایت‌پذیر است. گرچه فضای مجازی با تکثر، تنوع صوری و محتوایی، همچنین هنجارشکنی در باب سنت‌ها، این میل را ارضا می‌کند. اما در صورتی که تربیت دینی، در بستر فضای مجازی ورود یابد، این تمایل از دو راه جهت پیدا می‌کند:

۱. عرضه تمایل‌ها به معیار عقلانیت، معنویت و سپس‌گزینش از میان آنها.
۲. ارائه جایگزین مناسب؛ ادراک‌های عرفانی و شهودی، پاسخ‌دهنده میل انسان به درک لذاذ است و تربیت دینی را از احتمال مبتلاشدن به یکنواختی می‌رهاند.

توصیه‌ها و راه‌کارها

پرداختن به ماهیت تربیت دینی و ماهیت فضای مجازی، در کنار فرهنگ و ویژگی‌های آن، بستری برای این پژوهش فراهم کرد تا محقق بتواند به مسائل تربیت دینی، در فضای مجازی بپردازد. پس مناسبت میان عناصر پژوهش تبیین شد و متناسب با آن، راه‌کار ارائه شد. به‌نظر می‌رسد بدون پرداختن به امور نظری (که حکم مبنا را دارد) نمی‌توان با مسائل کاربردی در حوزه تربیت، به‌درستی مواجه شد. در این پژوهش، پس از بهره‌گیری از چند مفهوم مهم (که در حکم ادبیات پژوهش است)، محقق تلاش می‌کند تا نقش هرکدام از آن مبانی را در ترسیم کارآمدی تربیت دینی مطلوب در فضای مجازی نشان دهد. بدین منظور، توجه فعالان حوزه تربیتی را به برخوردارگی

از چند مهارت نظری مهم جلب می‌کند: نخست، نقش تعریف عقل، دین و علم در تحقق تربیت دینی مطلوب است؛ مهارت دیگر، شناخت واقعی و مجاز با لحاظ واجد یا فاقد اثر بودن است؛ مهارت سوم، درک این مطلب مهم و بدیع است که ماهیت واقعیت مجازی، امتداد وجودی انسان است، نه خروج و عدول از عالم واقعی؛ پس قوانین عالم واقعی در فضای مجازی نیز ساری و جاری است. مهارت چهارم، آشنایی، تشخیص و کاربرد قاعده رجوع متشابهات به محکّمات است (که برای مواجهه سالم با محتوای فضای مجازی) بسیار راه‌گشاست. همچنین، از نظر محقق، فضای مجازی بایسته‌هایی دارد که مهم‌ترین آن، درک خدای همه‌جا حاضر و رعایت اخلاق نظارتی در فضای اطلاعاتی است. توجه به این بایسته‌ها، در حوزه ارزش‌شناسی جریان تربیتی، راه‌گشاست و به ابتدای فرایند تربیتی بر مبنای نظام معیار اسلامی یاری می‌رساند. نشان‌دادن تناظر مفاهیم در فضای مجازی و تربیت دینی و تحلیل آن، بخش دیگری از تلاش محقق برای اثبات امکان تربیت دینی در فضای مجازی است. درنهایت، این نتیجه به‌دست آمد که برای تحقق تربیت دینی در فضای مجازی، درک و کاربرد دو عنصر **عقلانیت و معنویت** حیاتی خواهد بود و بدون این دو عنصر، تربیت دینی مطلوب وجود نخواهد داشت. این دو عنصر (که یکی به‌عنوان معیار و دیگری به‌عنوان وضوح‌بخش ابعاد نظری و عملی تربیت دینی ایفای نقش می‌کند) از کاربرد نظریه عقلانیت و حیانی (که نظریه‌های فلسفی - کلامی است) در نظریه تعلیم و تربیت به‌دست آمده است و در تدوین مبانی نظری تربیت رسمی و عمومی کارآمد خواهد بود.

فهرست منابع

- آرتور، برایان (۱۳۹۴). سرشت فناوری. ترجمه محمدابراهیم محبوب. تهران: انتشارات نی.
- آمدی، عبدالرحمان (۱۳۴۰). غررالحکم و دررالکلم. جلد دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بل، دیوید (۱۳۸۹). درآمدی بر فرهنگ‌های سایبر. ترجمه مسعود کوثری و حسین حسینی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- بل، دیوید (۱۳۹۰). نظریه‌پردازان فرهنگ سایبری، مانوئل کاستلز و دانا هاراوی. ترجمه مهدی شفیعیان. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- جرج، سوزان (۱۳۹۰). دین و تکنولوژی در قرن بیست و یکم. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۶۱). حیات معقول. تهران: انتشارات بنیاد انتقال به تعلیم تربیت اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵). تفسیر قرآن تسنیم. قم: انتشارات اسراء.
- (۱۳۹۲). تفسیر انسان به انسان. قم: انتشارات اسراء.
- (۱۳۹۱). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم: انتشارات اسراء.
- رشیدیان، عبدالکریم (۱۳۹۳). فرهنگ پست مدرن. تهران: انتشارات نی.

- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا*. قم: انتشارات الشریف الرضی.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۶). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ج ۳. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۶). *فلسفه فضای مجازی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کانت، ایمانوئل و دیگران (۱۳۷۶). *روشن نگری چیست*. ترجمه سیروس آرین پور. تهران: آگاه.
- گرام، گوردن (۱۳۹۳). *جستاری فلسفی در ماهیت اینترنت*. ترجمه محمدرضا امین ناصری. تهران: انتشارات کویر.
- هابز، توماس (۱۳۸۰). *لویاتان*. ترجمه حسین بشیریه، تهران: انتشارات نی.
- هایم، مایکل (۱۳۹۰). *متافیزیک واقعیت مجازی*. ترجمه سروناز تربتی. تهران: انتشارات رخ داد نو.
- Benedikt, M, *cyberspace: First Steps*, Cambridge, MA: MIT Press, 1991a.
- , *Cyberspace: some proposals*, in M. Benedikt (ed) *Cyberspace: First Steps*, Cambridge, MA: MIT Press, 1991b.
- Castells, M, *Epilogue: informationalism and the network society*, in P. Himanen, *The Hacker Ethic and the Spirit of the Information Age*, London: Secker & arburg, 2001.
- Floridi, luciano, *Two Approaches to the Philosophy of Information, Minds and Machines*, 13 (4) 2003: 459-469.
- Gibson, William. *Neuromancer*, London, Grafton, 1984.
- Kraut. R, M.Patterson, V. Lundmark, S Kiesler, T. Mukopadhyay and W. Scherlis, *Internet Paradox: A Social Technology that Reduces Social Involvement and Psychological well-being?* *American Psychologist*, vol.53, no.9, pp. 1017-31, 1998.
- Turkie, S. *Life on the Screen: Identity in the Age of the Internet*, London: Secker & Warburg, 1995.